

عنوان پایان‌نامه: خصوصی‌سازی کنترل، نظام راهبری شرکتی و عملکرد شرکت

دانشجو: فرید تنها

دانشگاه/ دانشکده: آزاد اسلامی – واحد علوم تحقیقات قزوین/ دانشکده مدیریت و حسابداری

تاریخ دفاع: پاییز ۱۳۹۲

خلاصه:

دولت‌های کشورهای در حال توسعه، همواره با این سؤال در حوزه خصوصی‌سازی مواجه هستند که آیا خصوصی‌سازی می‌تواند عملکرد شرکتها را بهبود بخشد یا خیر؟ و اگر چنین است، راهکار مناسب آن کدام است؟ این پایان‌نامه با موضوع «خصوصی‌سازی کنترل، نظام راهبری شرکتی و عملکرد شرکت» در پی آن است تا رابطه بین خصوصی‌سازی را با عملکرد شرکتها و کارایی مدیران و کارکنان مورد ارزیابی قرار دهد. برای این کار از اطلاعات ۱۴۰ شرکت دولتی که بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، به عنوان نمونه استفاده شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که پس از انجام خصوصی‌سازی، بدهی دولت به شرکتها و بدهی شرکتها به دولت کاهش نیافته و بهره‌وری کارکنان نیز افزایش نیافته است. تنها تأثیر مثبتی که خصوصی‌سازی بر شرکتها داشته است این است که عملکرد شرکتها به طور نسبی بهبود یافته است. این پایان‌نامه در پنج فصل گردآوری شده است. در فصل اول به بیان کلیات تحقیق پرداخته شده است. ابتدا مقدمه‌ای در مورد انواع خصوصی‌سازی مطرح و بیان شده است که خصوصی‌سازی کنترل، یکی از انواع خصوصی‌سازی است که از طریق فروش سهام تحت کنترل بخش دولتی به شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود. مسأله اصلی تحقیق اینگونه تشریح شده است که عموماً دولت‌ها نگران تبعات پس از خصوصی‌سازی بوده و همواره به دنبال راهکار مناسبی برای کاهش این تبعات هستند زیرا از یک طرف، فرآیند خصوصی‌سازی به دلیل افزایش رقابت بین بنگاه‌های موجود می‌تواند کارایی شرکتها را افزایش دهد و از طرف دیگر، یک پیامد گریزناپذیر فروش بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی، می‌تواند از دست رفتن فرصت‌های شغلی باشد زیرا افزایش کارایی نیروی کار پس از خصوصی‌سازی، عاملی جهت تعدیل نیروی کار اضافی است. بنابراین، بایستی به این سؤال پاسخ داده شود که آیا خصوصی‌سازی، از طریق سازوکارهای انگیزشی، بر بدهی سهامدار بزرگ، بدهی به دولت، انگیزه‌های مدیریتی، بهره‌وری کارکنان و عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ اهمیت موضوع این

تحقیق از آن جهت است که از یک طرف بنگاههای دولتی با دو معضل کمبود و اتلاف منابع مواجهند که برای توسعه‌یافتگی باید آنها را مرتفع سازند و راهکار مناسب برای این کار نیز خصوصی‌سازی است؛ و از طرف دیگر، انجام خصوصی‌سازی با تبعاتی همراه است که بایستی در مورد تبعات آن و نتیجه حاصل از خصوصی‌سازی بررسیهای لازم صورت گیرد؛ و این تحقیق به دنبال بررسی تأثیرات و تغییراتی است که در یک شرکت، پس از خصوصی‌سازی به وجود می‌آید و اینکه آیا این تغییرات با اهداف خصوصی‌سازی سازگار است یا خیر؟

این تحقیق چهار فرضیه را مطرح می‌کند:

۱. در مقایسه با دوره کنترل دولتی، پس از خصوصی‌سازی کنترل، میزان بدهی سهامدار بزرگ (دولت) به شرکتها کاهش می‌یابد.

۲. در مقایسه با دوره کنترل دولتی، پس از خصوصی‌سازی کنترل، میزان بدهی شرکتها به دولت کاهش می‌یابد.

۳. در مقایسه با دوره کنترل دولتی، پس از خصوصی‌سازی کنترل، بهره‌وری کارکنان افزایش می‌یابد.

۴. در مقایسه با دوره کنترل دولتی، پس از خصوصی‌سازی کنترل، عملکرد شرکتها بهبود می‌یابد.

این تحقیق از نوع پس‌رویدادی (تکیه بر اطلاعات گذشته) بوده و از آمار و اطلاعات واقعی بازار سهام، صورتهای مالی، یادداشتهای همراه صورتهای مالی و گزارشات مجامع شرکتها استفاده کرده است. جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به بانکهای اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار، سازمان خصوصی‌سازی و نرم افزار رهاورد نوین صورت گرفته است. در این تحقیق، از مجموعه شرکتهایی که طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ توسط سازمان خصوصی‌سازی (و صرفاً از طریق فروش حداقل ۵۱ درصد از سهام آنها) در بورس اوراق بهادار به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، تعداد ۱۴۰ شرکت به روش نمونه‌گیری سیستماتیک (انتخاب نمونه‌ها با در نظر گرفتن برخی شرایط) انتخاب شده است. در انتهای این فصل نیز، اصطلاحات مورد استفاده در این تحقیق، تعریف شده است.

در فصل دوم، مبانی نظری و پیشینه تحقیق ذکر شده است. این فصل به دو بخش مجزا تفکیک شده است. در بخش اول، مبانی نظری خصوصی‌سازی کنترل تشریح گردیده است. خصوصی‌سازی کنترل، به انتقال یک شرکت دولتی به بخش خصوصی یا شبه دولتی اشاره دارد. این روش خصوصی‌سازی، تمرکز بر شرکتهای بزرگ و متوسط و نیز صنایع انحصاری و استراتژیک داشته و عمدتاً برای اهداف سیاسی و اقتصادی (مانند افزایش بازدهی) به کار می‌رود. طبق اقدامات صورت گرفته در سازمان بورس اوراق بهادار، از سال ۱۳۸۷، بسیاری از شرکتها که مجوز حضور در بورس (با توجه به شرایط جدید) را نداشتند، مورد پالایش قرار گرفته و از بورس

حذف یا به فرابورس منتقل شدند. این امر دارای تبعات اقتصادی و سیاسی فراوانی بود. جهت مرتفع کردن این تبعات، دولت تصمیم گرفت تا حقوق کنترلی این شرکتها را به بخش خصوصی واگذار کند تا عملکرد شرکت بهبود یابد. شرکتهای خصوصی یا شبه دولتی نیز به چند دلیل اقدام به خریداری این شرکتهای دولتی کردند. اول آنکه این شرکتها پیش از این، در بورس اوراق بهادار قرار داشته و از مزایای آن برخوردار بودند که این امر یک ویژگی اساسی برای این شرکتها به حساب می‌آید؛ دوم آنکه خریداری این شرکتها، مزیت مالی فراوانی را برای خریداران آن ایجاد می‌کند زیرا خریداران می‌توانند سرمایه‌های کلانی را با هزینه اندک در بازارهای سرمایه کسب کنند؛ و سوم آنکه خریداران می‌توانند با خرید این شرکتها، میزان مالکیت خود را صنایع خاصی افزایش دهند.

در بخش دوم از این فصل نیز، پیشینه تحقیقات صورت گرفته در این زمینه به تفکیک تحقیقات خارجی و داخلی بیان شده است. وجه تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات این است که این تحقیق، برخلاف تحقیقات گذشته که بیشتر بر مقایسه عملکرد شرکتها در دوره‌های پیش و پس از خصوصی‌سازی تمرکز داشتند، بر تغییرات انگیزه‌ها متمرکز بوده و با در نظر گرفتن این عامل به بررسی نتایج خصوصی سازی می‌پردازد.

در فصل سوم، روش تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدای این فصل، فرضیه‌های تحقیق مجدداً بیان شده و متغیرهای مورد نیاز جهت آزمون هر فرضیه معرفی شده‌اند. جهت بررسی اثر سهامدار بزرگ (دولت)، از وجوه تصرف شده توسط سهامدار بزرگ برای نشان دادن میزان بدهی دولت استفاده شده است. این بدهیها شامل وجوه وام دریافتی توسط دولت در دوره کنترل دولتی، پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و ... می‌شود که معمولاً سهامدار جدید (بخش خصوصی) در راستای کاهش این وجوه عمل می‌کند. جهت نشان دادن میزان بدهی شرکتها به دولت نیز از وجوه تسهیلات دریافتی شرکتها از دولت و خالص حسابهای فی‌مابین شرکت و دولت بهره گرفته شده است. شرکتهای دولتی معمولاً عملکرد ضعیفی داشته و برای بقا، نیازمند وام و تسهیلات دولتی هستند که این امر بدهی آنها را افزایش می‌دهد ولی بخش خصوصی در راستای حذف یا حداقل کردن این هزینه‌ها فعالیت خواهد کرد. جهت اندازه‌گیری میزان بهره‌وری نیروی کار نیز از متغیر نسبت فروش به تعداد کارکنان استفاده شده است. معمولاً دولتها جهت حفظ ثبات اجتماعی، سعی در حفظ سطح اشتغال و کاهش اخراجیها دارند، ولی بخش خصوصی به دلیل افزایش کارایی کارکنان اقدام به کاهش تعداد کارکنان خواهد کرد. نهایتاً جهت بررسی عملکرد شرکت، از متغیر حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. در بخشهای دولتی، تضادی بین منافع مدیران و سهامداران وجود دارد ولی بخش خصوصی با کاهش وجوه تصرف شده توسط دولت، سعی در همترازی این منافع با یکدیگر و بهبود عملکرد شرکت دارد.

در ادامه این فصل، روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها شرح داده شده است. ابتدا در مورد روش و داده‌های تحقیق مطالبی بیان شده و سپس مدل‌های مورد استفاده جهت انجام آزمون فرضیه‌ها به طور کامل آورده شده است. جهت انجام محاسبات مربوط به فرضیه‌ها و آزمونها از نرم افزار SPSS و Excel استفاده گردیده است. شرح مفاهیم اقتصادسنجی مانند همبستگی، تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیون و ... آخرین مطالب بیان شده در این فصل است.

در فصل چهارم، داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. ابتدا اطلاعات توصیفی متغیرهای تحقیق ذکر شده است. سپس فرضیه‌های تحقیق یک به یک مورد آزمون قرار گرفته‌اند. جهت آزمون فرضیه‌ها از دو روش تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. تحلیل واریانس، یک روش آماری است که جهت تجزیه و تحلیل تفاوتها بین میانگین‌های دو یا چند گروه داده به کار می‌رود و تحلیل رگرسیونی، یک روش اقتصاد سنجی برای بررسی ارتباط بین یک متغیر وابسته و یک یا چند متغیر مستقل است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک در جدول زیر آمده است:

فرضیه اول	تحلیل واریانس	بین بدهی سهامدار بزرگ به شرکتها، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
	تحلیل رگرسیون	بین بدهی سهامدار بزرگ به شرکتها، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
فرضیه دوم	تحلیل واریانس	بین بدهی شرکتها به دولت، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
	تحلیل رگرسیون	بین بدهی شرکتها به دولت، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
فرضیه سوم	تحلیل واریانس	بین بهره‌وری کارکنان، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود داشته و میزان بهره‌وری آنها در سال خصوصی‌سازی، بیشتر از سالهای قبل و بعد از خصوصی‌سازی است.
	تحلیل رگرسیون	بین بهره‌وری کارکنان، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
فرضیه چهارم	تحلیل واریانس	بین عملکرد شرکتها، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود ندارد.
	تحلیل رگرسیون	بین عملکرد شرکتها، در سال خصوصی‌سازی و سالهای قبل و بعد از آن، اختلاف معناداری وجود داشته و هرچند عملکرد شرکتها در سال خصوصی‌سازی و سال قبل از آن تغییر معناداری نکرده ولی در سال بعد از خصوصی‌سازی، بهبود نسبی در عملکرد آنها ایجاد شده است.

اختلافی که بین نتایج حاصل از دو روش در فرضیه سوم و چهارم وجود دارد، ناشی از این امر است که تحلیل واریانس قادر به حذف اثر عوامل خارجی بر متغیر وابسته مدل نیست و این در حالیست که در تحلیل رگرسیون اثر عوامل خارجی حذف می‌گردد.

در فصل آخر تحقیق، نتایج حاصل از تحقیق ارائه گردیده است. در راستای مسأله اصلی تحقیق، نتایج زیر حاصل شده است:

۱. در بدهی سهامدار بزرگ (دولت) به شرکتها، در سال خصوصی سازی و سالهای قبل و بعد از آن، کاهش چندانی به چشم نمی خورد و این به معنای رد فرضیه اول تحقیق است.
۲. بدهی شرکتها به دولت، در سال خصوصی سازی و سالهای قبل و بعد از آن، کاهش چندانی نیافته است و این به معنای رد فرضیه دوم است. در استدلال این نتیجه، بیان شده است که شاید دلیل این امر، واگذاری شرکتهای دولتی به نهادها و سازمانهای شبه دولتی است که باعث حفظ حمایت مالی دولت از این سازمانها و نهادها شده است.
۳. بهره‌وری کارکنان نیز در سال خصوصی سازی و سالهای قبل و بعد از آن، تغییر چندانی نکرده است و این به معنای رد فرضیه سوم است. علت بروز این امر را می توان در دخالت دولت برای حفظ سطح اشتغال با استفاده از قراردادهای واگذاری سهام کنترلی دانست که این امر، محدودیتهایی را در رابطه با کاهش سطح اشتغال برای شرکتها ایجاد می کند.
۴. بعد از خصوصی سازی، عملکرد شرکتها به طور نسبی بهبود یافته است و این به معنای عدم رد فرضیه چهارم است. این بهبود نسبی می تواند برای سیاستگذاران بخش عمومی در اقتصادهای در حال توسعه، دلگرم کننده باشد. البته به دلیل عدم کاهش بدهی دولت به شرکتها و شرکتها به دولت و نیز عدم افزایش بهره‌وری کارکنان، شرکتهای واگذار شده در بلندمدت دچار زیان شده و از بورس حذف و یا به فرابورس منتقل می شوند.